

مادت کباري: ۱۰:۳۰ صبح	نرد: ۱۵	مادت کباري: ۹۰ دقیقه
-----------------------	---------	----------------------

باسم تعالی

امتحانات مرکز تکلیفی نیمسال دوم ۱۴۰۱-۱۴۰۰

رشته وادامول

پاسخ نامه

شماره نام صحت اول	نرد: عدد	نرد: حرف
شماره نام صحت دوم	نرد: عدد	نرد: حرف

کد امتحان	۳۴۰۱۲/۱۰
تاریخ امتحان	۱۴۰۱/۰۳/۲۳
عنوان	فقه ۶
کتاب	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی
محدوده	قرض، رهن، هبه، ودیعه، عاریه، وصیه، وقف
حذفیات	ندارد

۱- اگر در عقد قرض، زمان برای پرداخت آن شرط نشده باشد، فایده لازم بودن آن چیست؟

۰/۵

الف. لزوم توافق دو طرف برای زمان پرداخت ☐

ب. ملزم نبودن مقترض برای برگرداندن عین مال قرضی ☒

ج. ملزم بودن مقترض برای برگرداندن عین مال قرضی ☐

د. ثبوت خیار شرط برای مقرض ☐

۰/۵

۲- اشکال دوم به عامه که در عبارت آمده است، چیست؟

«و علیه فما ینسب الی بعض العامة من عدم جواز الارتهان فی الحضر لا وجه له خصوصاً و ان لازم التمسك بالأیة الکریمة لاعتبار السفر اشتراط فقدان الکاتب للدين فی مشروعیة الرهن علیه، و هو غیر محتمل و لم یقل به القائل المذكور.»

الف. بدون وجه بودن ☐

ب. قائل نداشتن قول آنها ☐

ج. لغو بودن مشروعیت رهن ☐

د. اختصاص مشروعیت رهن به نبودن کاتب در سفر ☒

۰/۵

۳- حکم رهن دادن دین چیست؟

الف. فقط به غیر من علیه صحیح است ☒

ب. فقط به من هو علیه صحیح است ☐

ج. مطلقاً باطل است ☐

د. مطلقاً صحیح است ☐

۰/۵

۴- دلیل حکم مذکور در عبارت زیر چیست؟

«و اما عدم ضمان من ترك عنده شيء و قد تلف أو تعيب من دون قبوله لذلك و لا تسلمه إیاه»

الف. ایقاع بودن عاریه ☐

ب. عقد بودن عاریه ☒

ج. مشروع نبودن ضمان قهری ☐

د. بطلان عاریه به تلف مال عاریه داده شده ☐

۲

۵- عبارت زیر را ترجمه و قسمت‌های مشخص شده آن را توضیح دهید.

«ثم ان هناك قولاً باشتراط التصرف أيضاً بعد القبض فی تحقق الملك، و لكنه كما ترى، إذ اطلاق الأدلة ینفیه و ان کان مقتضى استصحاب

عدم ترتب الأثر - لو لا ذلك - اعتباره لو فرض الشك فی ذلك.»

در عقد قرض برخی قائل شده اند یکی دیگر از شروط صحت آن این است که قرض گیرنده بعد از قبض در مال قرضی تصرف هم داشته باشد ولی مصنف می فرماید این قول واضح است که صحیح نیست چون اطلاق ادله صحت قرض شرطیت آن را نفی می کند هر اگر اطلاق ادله نبود مقتضای استصحاب عدم ترتب اثر شرطیت تصرف بود زیرا بعد از قبض و قبل از تصرف شک داشتیم که آیا این مال قرضی به ملک قرض گیرنده درآمده است یا نه؛ استصحاب عدم اثرگذاری قرض در تملک قرض گیرنده جاری می شود. البته همه اینها در صورتی است که چنین شکی برای ما پیش بیاید چون شرط جریان استصحاب شک در بقا می باشد.

۶- با توجه به عبارت زیر بفرمایید حکم امتناع دائن از قبول دین قبل از حلول أجل چیست؟

«و اما جواز امتناع الدائن من قبض الدين قبل حلول الأجل فقد وقع محلاً للخلاف. و المناسب التفصيل بين ما إذا كان اشتراط الأجل حقاً للمدين فقط و ما إذا كان حقاً للدائن فقط.»

این مساله اختلافی است ولی نظر مصنف این است که تفصیل داده شود؛ اگر بگوییم شرط زمان در قرض حق قرض گیرنده باشد یا حق قرض دهنده باشد. در صورت اول دائن نمی تواند قبل از حلول اجل از پذیرش قرض امتناع کند ولی در صورت دوم می تواند چون فرض این است که زمان حق او بوده و می خواهد از آن استفاده کند.

۷- در عبارت زیر دو اشکال برای استدلال به آیه شریفه بر شرطیت قبض در رهن آمده است؛ دو اشکال را توضیح دهید.

«و المناسب اعتباره لا لأجل التقييد به في الآية الكريمة- فَإِنْ ذَكَرَهُ فِيهَا هُوَ مِنْ جِهَةٍ أَنْهَا بِصَدَدٍ بَيَانٍ طَرِيقَةً لِلِاسْتِثْنَاءِ عَلَى الدِّينِ، وَ ذَلِكَ لَا يَتَحَقَّقُ بِمَجَرَّدِ الْارْتِهَانِ مِنْ دُونِ قَبْضٍ وَ لَيْسَتْ بِصَدَدٍ بَيَانٍ شَرْطِيَّةٍ ذَلِكَ لِتَحَقُّقِ الْارْتِهَانِ شَرْعاً، عَلَى أَنَّ السِّيَاقَ يُلَوِّحُ عَلَيْهِ بِوُضُوحٍ كَوْنَهُ فِي صَدَدٍ الْإِشَادِ إِلَى جُمْلَةٍ مِنَ الْأَدَابِ وَ السُّنَنِ»

اولاً کلمه مقبوضه در آیه شریفه در صدد بیان راهی برای اطمینان در مساله رهن است زیرا بدون اینکه مال رهنی در اختیار مرتتهن قرار گیرد این اطمینان حاصل نمی شود نه اینکه آیه شریفه بخواهد یکی از شرایط شرعی تحقق رهن را بیان کند. ثانیاً اساساً سیاق آیه شریفه به وضوح دلالت می کند که در صدد بیان آداب و سنن است نه احکام و شرایط الزامی.

۸- اشکال مذکور در عبارت زیر را به همراه پاسخ آن تبیین کنید.

«ان قلت: لا بد من تقييد الذهب و الفضة بخصوص الدنانير و الدراهم لصحیحة عبد الله بن سنان: «قال أبو عبد الله عليه السلام: لا تضمن العارية الا أن يكون قد اشترط فيها ضمان إلا الدنانير فإنها مضمونة و ان لم يشترط فيها ضمانا.» قلت: إن التقييد المذكور لم يُلَاحَظْ لازمه الحمل على الفرد النادر»

اشکال شده که عاریه ای که بدون شرط ضمان آور است را باید فقط در خصوص درهم و دینار دانست نه مطلق طلا و نقره به خاطر اینکه در روایت عبدالله بن سنان فقط عاریه دینار را فرموده بدون شرط ضمان آور است پس دلیلی برای ضمان در مطلق طلا و نقره نیست. جواب اشکال این است که اگر این تقييد صورت گیرد لازمه اش اختصاص حکم به فرد نادر است چون درهم و دینار که نقد رایج بوده نوعاً عاریه داده نمی شده است عاریه در چیزهایی است که در عین استفاده عین آنها باقی بماند در حالیکه استفاده از درهم و دینار به مصرف شدن خود آنها می باشد پس معلوم می شود مراد از دینار مطلق طلا و نقره است.

۹- عبارت زیر را ترجمه و قسمت های مشخص شده را توضیح دهید.

«و اما اعتبار المشهور للقبول في الوصية التملیكية فقد يستدل له بالوجهين التاليين: أ- ان تحقق الملك بدون قبول الموصی له مخالف لقاعدة سلطنة الانسان على نفسه الثابتة بالسيرة العقلائية، فَإِنْ دَخَلَ شَيْءٌ فِي مَلِكِ الْغَيْرِ قَهْرًا مَنَافٍ لِذَلِكَ. وَ ثَبُوتُ مِثْلِهِ فِي الْارْثِ هُوَ لِذَلِكَ خَاصٌّ فَلَا مَجَالَ مَعَهُ لِلتَّعَدِّي عَنْهُ.»

مشهور در وصیت تملیکه قبول موصی له را شرط صحت آن دانسته اند و برای این قول دو دلیل آورده شده است؛ دلیل اول: تملک مال وصیت شده بدون قبول موصی له خلاف قاعده تسلط است. بر اساس قاعده تسلط انسان اختیار دارد که اگر بخواهد مالی را مالک شود و یا مالک نشود در حالیکه اگر قبول در وصیت تملیکه شرط نباشد مال وصیت شده قهراً به ملک موصی له داخل می شود و این با قاعده تسلط

منافات دارد. البته ملک قهری در ارث وجود دارد و ورثه بدون اختیار مالک اموال میت می شوند ولی در ارث دلیل خاص وجود دارد و وجهی ندارد که آن را به سایر موضوعات سرایت بدهیم.

۱۰- اصطلاحات زیر را با مثال تعریف کنید.

۲

حبس: اگر کسی منفعت مال خود را برای مدت مشخصی برای دیگری اختصاص دهد در عین اینکه خودش مالک عین باشد را حبس می گویند مثل اینکه کسی به زید بگوید تا زنده هستی خانه من در اختیار تو باشد که در صورت تحقق مالک دیگر نمی تواند در زمان حیات زید از آن خانه استفاده کند ولی بعد از فوت زید دوباره اختیار دار خانه می شود.

وصیت عهدی: وصیت کردن بر انجام کاری بعد از فوت مثل اینکه وصیت شود بعد از فوت برای اون مجلس ختم سه روز گرفته شود. وصیت تملیکی: وصیت کردن به اینکه مال مشخصی بعد از فوت ملک فرد مشخصی باشد مثل اینکه وصیت کند خانه او بعد از فوت برای زید باشد.

۱۱- ثمره‌ای که در عبارت ذیل به آن اشاره شده را با مثال تبیین کنید.

۱/۵

«الاشکال في أن ذلك شرط للصحة والانتقال أو شرط للزوم. و الثمرة تظهر في النماء في الفترة المتخللة بين الوقف و القبض.»

اختلاف شده که آیه قبض شرط صحت وقف است یا شرط لزوم و ثمره این اختلاف در نماء بین وقف و قبض محقق می شود مثل اینکه زید امروز مغازه خود را وقف مسجد کند و سه ماه بعد آن را تحویل مسجد دهد. اگر قبض شرط صحت باشد اجاره این سه ماه مغازه برای خود زید است ولی اگر شرط لزوم باشد اجاره این سه ماه برای مسجد خواهد بود.